

- در شاهنامه فردوسی روایت عجیبی وجود دارد...

وقتی زال می‌خواست از سیمرغ خداحافظی کند، سیمرغ سه پر از پرهای خود را به زال می‌دهد و می‌گوید هر وقت در تنگنا قرار گرفتی پرها را به آتش بکش تا من به یاریات بشتابم.

سال‌ها می‌گذرد...

رودابه همسر زال،
رستم را آبتن می‌شود و ناتوان از وضع‌حمل در بستر مرگ می‌افتد...

زال هراسان اولین پر سیمرغ را به آتش می‌کشد...

سیمرغ به یاری همسر و فرزندش می‌آید و از مرگ می‌رهاندشان...

زال در اواخر عمر و قبل از مرگش دو پر دیگر را به رستم می‌دهد تا در تنگنا آن‌ها را به آتش بکشد...

سال‌ها می‌گذرد و رستم در جنگ با پهلوانی به نام اسفندیار، دچار زخم‌های فراوان می‌شود و مستاصل از شکست، پر دوم را به آتش میکشد... سیمرغ آشکار می‌گردد.
رستم را درمان می‌کند و راز شکست اسفندیار را برملا می‌نماید.
رستم پیروز می‌شود...

اما راز سر به مهری که فردوسی قرن‌هاست آن را پنهان کرده، این‌جاست! 😊...

فردوسی تکلیف پر سوم را مشخص نکرد!
در هیچ جای شاهنامه نشان و خبری از پر سوم نیست!
سرنوشت پر سوم در پرده معماست ☐
حتی هنگامی که رستم در هفت‌خوان در نبرد دیو سیاه و سپید گرفتار می‌گردد و یا در رزم اول از سهراب شکست می‌خورد، و یا زمانی که سهراب در دستانش کشته می‌شود چرا بجای درخواست نوش دارو، پر سوم را به آتش نمی‌کشد.

یا هنگامی که در چاه شغاد نابردار به تیرهای زهرگون گرفتار می‌آید، کشته می‌شود، ولی پر سوم را به آتش نمی‌کشد!!
چه چیز با ارزش تر از جانش که مرگ را می‌پذیرد ولی پر سوم را نگاه می‌دارد؟
چرا؟!
رستم پر سوم را به چه کسی سپرده‌است؟!
پر سوم باید به دست چه کسی برسد؟ و در چه زمانی به آتش کشیده‌شود؟
ادبیات اساطیری ایران شعله‌گاه کنایه‌ها و نشانه‌های ژرف و رازآلودی ست...
اشاراتی که خاستگاهش،
همان تجسم آمال و آرزوهای ساکنان فلات ایران می‌باشد.

فردوسی با هوش تاریخی و جامعه‌شناسش، پیش‌بینی روزهای تیرگون میهنش را نموده بود.
او نیک می‌دانست گردش گردون بر ایرانیان روزهای هم‌دیس حاکمیت ضحاک را باز می‌آورد؛

چو ضحاک شد بر جهان شهریار
بر او سالیان انجمن شد هزار
نهان گشت آیین فرزندگان
پراکنده شد نام دیوانگان
هنر خوار شد، جادویی، ارجمند
نهان راستی، آشکارا، گزند
ندانست جز کژی آموختن
جز از کشتن و غارت و سوختن

فردوسی در تعبیری عاشقانه و رازآلود، صبح امید رهایی‌بخش از تیره‌بختی ایرانیان در هر دوره‌ای از این تاریخ را در صدفی
مکتوم قرار داده است...
باور این که هنوز راهی بر سعادت‌مندی ایرانیان وجود دارد .
تاریخ گواه این مدعاست.
ایران خانه‌ی سیم‌رغ است و ما نوادگان رستم و زالیم...
سومین پر سیم‌رغ را به آتش خواهیم کشید تا سیم‌رغ خرد و شادی و سعادت‌مندی از پس این ظلام وحشت و تیره‌روزی بر فلات
ایران لبخند بزند...
ما وارثان پر سوم سیم‌رغیم 🌿🌿

🌿 هوشنگ ابتهاج

تهیه و تنظیم:
۲۱ مهرماه ۱۳۹۹